

ابوأخیحه اموی: از دشمنان سرسخت

پیامبر ﷺ در مکه

سعید بن عاص بن امیه، معروف به ابواحیحه، از تیره بنی‌امیه قریش است که نسبش در جد سوم پیامبر به عبدمناف می‌رسد.^۱ او عمامه‌ای بزرگ و رنگارنگ بر سر می‌بست و از این رو، ذوالعصابه و ذوالعمامه لقب یافت که کنایه از سیادت^۲ او بود.^۳ گویند: هرگاه عمامه‌ای بر سر می‌بست، دیگران به احترام او از بستن عمامه به همان رنگ خودداری می‌کردند.^۴ او را از بزرگان قریش و همنشین ولید بن مغیره مخزومی معرفی کرده‌اند.^۵ وی نخستین کس از قریش بود که همزمان دو خواهر به نام‌های هند و صفیه، دختران مغیره مخزومی، را به همسری گرفت.^۶ شغل او مانند بسیاری از مردان قریش بازرگانی بود و برای این کار مکان ویژه‌ای جز خانه خود اختصاص داده بود.^۷ از او با عنوان کثیر المال یاد شده است.^۸

۱. جمهرة انساب العرب، ص ۸۰؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۲۰.

۲. الاعلام، ج ۳، ص ۹۶.

۳. المحبر، ج ۱، ص ۱۶۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۶۸.

۴. انساب الاشراف، ج ۵، ص ۲۸۵؛ المحبر، ص ۱۶۵.

۵. المحبر، ج ۱، ص ۱۷۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۳۴.

۶. المحبر، ج ۱، ص ۳۲۷؛ المنمق، ص ۲۱۰؛ اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۵۰.

۷. اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۵۰؛ الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۴۴.

۸. جمهرة انساب العرب، ص ۸۰.

دیوان نقابت: محمد هادی خالقی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش؛ الشجرة المباركة فی انساب الطالبیه: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، کتابخانه نجفی، ۱۴۱۹ق؛ شرح نهج البلاغه: ابن ابی‌الحدید (م. ۵۶۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ صبح الاعشی: احمد بن علی القلقشندی (م. ۸۲۱ق.)، به کوشش زکار، دمشق، وزارة الثقافة، ۱۹۸۱م؛ عمدة الطالب: ابن عنبه (م. ۸۲۸ق.)، به کوشش محمد حسن، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۰ق؛ الكامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ مجالس المؤمنین: قاضی نور الله شوشتری (م. ۱۰۱۹ق.)، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ش؛ المجدی فی انساب الطالبیین: علی بن محمد العلوی (م. ۷۰۹ق.)، به کوشش المهدوی، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۹ق؛ معجم الادباء: یاقوت الحموی (م. ۲۶۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ معجم البلدان: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ نشوار المحاضرة و اخبار المذاکره: التنوخی (م. ۳۸۴ق.)، بیروت، ۱۳۹۱ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق؛ یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر: عبدالملک الثعالبی النیشابوری (م. ۴۲۹ق.)، به کوشش قمیحه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۳ق.

محمد غفوری



به سبب عداوت میان بنی هاشم و بنی امیه^۸، ابواحیحه دشمن پیامبر ﷺ بود و دشمنی او پس از بعثت شدت گرفت.^۹ وی را از استهزاکنندگان پیامبر ﷺ شمرده‌اند.^{۱۰} بر پایه گزارشی، پس از آن که مشرکان پیامبر را سحر خواندند و سوره کافرون نازل گشت، ابواحیحه در پاسخ ولید بن مغیره که وی را شایسته نزول وحی دانسته بود، سزاواری ولید را یادآور شد. آن گاه آیات ﴿وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِیْنِیْنِ عَظِیْمٍ﴾^{۱۱} نازل شد.^{۱۲} برخی از تفاسیر، مقصود از ﴿رَجُلٍ﴾ را ولید دانسته‌اند.^{۱۳} ذیل آیات ۱۹-۲۰ نجم نیز از ابواحیحه یاد شده است.^{۱۴} بر پایه گزارشی، پیش از صلح حدیبیه به سال ششم ق. هنگامی که عثمان مأموریت یافت برای مذاکره نزد قریش رود، در جوار ابواحیحه وارد مکه شد.^{۱۵} گویند: ابواحیحه در حال احتضار می‌گریست و چون سبب آن را جویا شدند، علت آن را پرستش نشدن بت عَزَّی پس از مرگش بیان

کرد.^{۱۶} ابواحیحه در سال اول یا دوم ق. در ۹۰ سالگی^{۱۷} به سبب بیماری در طائف درگذشت^{۱۸} و در کوهی نزدیک آن شهر به خاک سپرده شد.^{۱۹} به نقلی، هنگام محاصره آن شهر، ابوبکر با مشاهده قبر ابواحیحه در حضور فرزندان مسلمان او، عمرو و ابان، به لعن ابواحیحه پرداخت. در برابر آنان نیز پدر ابوبکر را لعن کردند. در این هنگام، رسول خدا به رغم دشمنی ابواحیحه در مکه، ایشان را از سب و لعن مردگان که سبب اذیت زندگان می‌شود، بر حذر داشت.^{۲۰}

فرزند ابواحیحه، خالد، در خواب دیده بود که رسول خدا ﷺ او را از آتش نجات داده است. از این رو، مسلمان شد و پس از طرد پدر، در هجرت دوم مسلمانان به حبشه، همراه برادرش عمرو حضور یافت.^{۲۱} بر پایه گزارشی، در فتح مکه هنگامی که پیامبر ﷺ به بطحا رسید، دختران ابواحیحه مقابل منزل پدر

۸. الانصام، ص ۲۳.

۹. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۴۲؛ امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۳۲۹.

۱۰. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۴۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۷؛

المنتظم، ج ۱، ص ۳۱۶.

۱۱. اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۶.

۱۲. المغازی، ج ۳، ص ۹۲۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۴۲؛ امتاع

الاسماع، ج ۱۴، ص ۳۲۹.

۱۳. الطبقات، ج ۴، ص ۹۴-۹۵، ۱۰۰-۱۰۱؛ اسد الغابه، ج ۴،

ص ۱۰۷؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۴۲۳.

۱. المنق، ص ۱۲۰، ۱۲۲.

۲. المفصل، ج ۷، ص ۱۰۸.

۳. بهج الصباغه، ج ۶، ص ۱۰۳.

۴. امتاع الاسماع، ج ۱۴، ص ۳۲۳-۳۲۶.

۵. فتح القدیر، ج ۴، ص ۵۵۳.

۶. الطبقات، ج ۱، ص ۲۰۵؛ الکامل، ج ۲، ص ۹۷؛ مجمع الزوائد، ج ۶،

ص ۳۲.

۷. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۳۷.

عبدالله تغییر داد، در یکی از جنگ‌های مسلمانان به شهادت رسید.^۹ عاص و اخیحه، دیگر فرزندان ابواخیحه، بر شرک ماندند و در نبرد بدر به سال دوم ق. به دست مسلمانان کشته شدند. برخی کشنده عاص را علی (ع) دانسته‌اند.^{۱۰}

◀ منابع

اخبار مکه: الفاکهی (م. ۳۵۳ ق.)، به کوشش عبدالملک، مکه، النهضة الحیدیه، ۱۴۰۷ ق؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ الاصلنام: هشام بن محمد کلبی (م. ۲۰۴ ق.)، به کوشش احمد زکی، تهران، تابان، ۱۳۴۸ ش؛ الاعلام: الزرکلی (م. ۱۳۹۶ ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷ م؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة: محمد تقی شوشتری، مؤسسه نهج البلاغة؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم

موهای خود را پریشان کردند و با روسری‌های خود به چهره اسبان زدند و ایشان با تبسم از کنار این صحنه گذشت.^۱

خالد از سوی رسول خدا (ص) فرمانداری شهر صنعا در یمن^۲ و ابان بن سعید، کارگزاری بحرین^۳ را بر عهده داشت. پس از رحلت پیامبر خدا (ص)، خالد همراه دو برادرش، ابان و عمرو محل خدمت خود را ترک کرده، به مدینه بازگشتند. چون علت بازگشت ایشان را پرسیدند، پاسخ شنیدند: پس از رسول خدا (ص) برای هیچ کس دیگر کار نخواهیم کرد. خالد و برادرش ابان تا مدتی با ابوبکر بیعت نکردند.^۴ او در سخنانی خطاب به اهل بیت پیامبر (ص) ایشان را درختی تناور با میوه‌هایی نیکو وصف کرد و خود را پیرو آنان دانست.^۵ در جنگ جمل نیز عمرو بن اخیحه پس از سخنرانی امام حسن (ع) در ستایش او اشعاری سرود.^۶ حکم^۷ دیگر فرزند ابواخیحه و نیز دو غلام او به نام‌های ابورافع ابوبهی و صبیح، به اسلام گرویدند.^۸ حکم که پیامبر نامش را به

۱. المغازی، ج ۲، ص ۸۳۰.

۲. الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۲۲؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۸۴.

۳. الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۲۳.

۴. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۸؛ الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۲۲.

۵. اسد الغابه، ج ۲، ص ۸۴؛ شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۵۹.

۶. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۳.

۷. المحجز، ج ۱، ص ۴۶۰؛ الاصابه، ج ۲، ص ۸۹.

۸. الطبقات، ج ۴، ص ۱۱۸؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۱۵۰؛ الاصابه، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۹. اسد الغابه، ج ۲، ص ۳۲؛ الاصابه، ج ۲، ص ۸۸.

۱۰. السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۰۸؛ الطبقات، ج ۵، ص ۳۱؛ المستدرک، ج ۳، ص ۲۳۹.

و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ **جمهرة انساب العرب**: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **السيرة النبویه**: ابن هشام (م. ۲۱۸ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المكتبة العلمیه؛ **شرح نهج البلاغه**: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **فتح القدير**: الشوکانی (م. ۱۲۵۰ق.)، عالم الکتب؛ **الکامل فی التاريخ**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **مجمع الزوائد**: الهمیسی (م. ۷۳۵ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۲ق؛ **المحبر**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش ایلزه لیختن شتیر، بیروت، دار الآفاق الجدیده؛ **المستدرک علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **المغازی**: الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق؛ **المفصل**: جواد علی، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۶م؛ **الملل و النحل**: الشهرستانی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش سید کیلانی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۵ق؛ **المنتظم**: ابن جوزی (م. ۵۰۸ق.)، به کوشش نعیم زرزور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق؛ **المنطق**: ابن حبیب (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.

سید محسن امیری



أبوایمن خُریم بن فاتک: از شهیدان أحد

خُریم بن آخرم بن شداد بن عمرو بن فاتک بن اَزْدی معروف به خُریم بن فاتک^۱ یکی از سه صحابی مکنّا به أبوایمن و مشهورترین آن هاست. کینه های دیگر او ابو عبدالله^۲ و ابویحیی^۳ است. درباره خانواده و نسب او اختلاف بسیار است. برخی او را فرزند عمرو بن جموح خزرجی^۴ یا غلام وی دانسته اند. او از راویان احادیث پیامبر ﷺ و نیز از شرکت کنندگان در جنگ بدر همراه برادرش سیره^۵ و از شهیدان احد دانسته شده است.^۶ آورده اند که به نوعی عارضه پوستی (برص) مبتلا بوده است.^۷ رسول خدا ﷺ او را به سبب دستگیری اش از بیماران و مستمندان دعا کرده است.^۸

درباره چگونگی اسلام آوردنش داستانی

۱. الطبقات، ج ۶ ص ۴۸؛ الاصابه، ج ۲، ص ۲۷۶.
۲. الاغانی، ج ۱۱، ص ۲۵۳.
۳. المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۵.
۴. تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۲۴۶؛ الاصابه، ج ۲، ص ۲۳۶.
۵. الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۵۲.
۶. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۲۶.
۷. المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۵-۲۰۹؛ الميسوط، ج ۸، ص ۱۶۴.
۸. اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۴.
۹. السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۲۶؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۲۴.
۱۰. المجتر، ص ۳۰۲.
۱۱. انساب الاشراف، ج ۱۱، ص ۱۹۷؛ الفائق، ج ۳، ص ۲۹-۳۰.